

فلسفه علم (علم شناسی)

فلسفه علم یا معرفت شناسی (علم شناسی) ظاهراً چیزی بیش از گزارش و بررسی عالمانه قواعد کلی احوال **سپهر معرفت** نیست. اما این گزارش که خود بخشی از سپهر معرفت است، شامل مباحث بسیار رنگارنگی است. به همین دلیل باید گفت فلسفه علم، بیشتر علم شده است تا اینکه فلسفه قلمداد شود. در هرحال، کشف قواعد کلی، هدف فیلسوف علم است.

بنابراین هرگاه و همیشه برای کشف قاعده ای قابل اعتناء، در باره ی احوال و عوارض علم (و علوم) بحثی روشمند داریم، در فلسفه علم غور می کنیم. پس اگر یک سلول مغز از آن نظر که نقش جوهری در بروز یک قاعده علم ساختی دارد را برای توضیح و ترمیم یک قاعده کلی بررسی کنیم، کم یا زیاد در حال فلسفیدن علم هستیم.

همچنین است اگر برای واکاوی نقش جوهری تضرع به درگاه حق تعالی در تولید قاعده ای علم ساختی کاوش می کنیم فیلسوف علم هستیم بشرط آنکه در پی قاعده کلی باشیم نه مطالعه موردی (قیدی که فلسفه ی علم را از علوم دیگر و از جمله علوم ادراکی جدا می کند)

قاعده ی علم ساختی توضیح یک فرآیند قابل پیشبینی است که نظامی از گوشه و کنار یا کلیات عوارض سپهر معرفت (مانند تحولات و ثباتات و ...) را توضیح می دهد.

از نظر ما، فرقی میان فلسفه علم و معرفت شناسی نیست.